

جامعه‌شناسی زبان مخفی

محرم رضایتی کیشه خاله

دانشیار - عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان

مجید ایران نژاد نجف آبادی

دانشجوی دکتری - دانشگاه گیلان

چکیده

زبان مخفی، به عنوان یک پدیده اجتماعی، به دلایل گوناگون اجتماعی حاصل می‌شود. این زبان، که در کنار زبان روزمره جامعه به عنوان طفیلی و وابسته، ادامه حیات می‌دهد، ویژگی‌های جامعه‌شناسی فراوانی دارد. بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی زبان مخفی، در مطالعات شاخه جامعه‌شناسی زبان (sociolinguistics) می‌گنجد. در این شاخه، علل و عوامل موثر در پیدایش و تکامل و تغییر واژه‌های زبان و نقش آن در امور جامعه بررسی می‌شود و از آنجا که زبان مخفی، به عنوان یک پدیده منفی یا ناهنجاری اجتماعی مطرح است، بررسی علمی آن می‌تواند در رسیدن به مشکلات اجتماعی و مسائل جامعه‌شناسی راهگشا باشد. در این تحقیق ضمن بررسی و تأکید بر نقش زبان در امور اجتماعی و تحولات جوامع و اهمیت زبان در جامعه‌شناسی و شکل‌گیری جوامع، بر آنیم تا به برخی از عمده‌ترین مسائل جامعه‌شناسی زبان مخفی بپردازیم.

واژگان کلیدی: زبان مخفی، واژه، فرهنگ، جامعه‌شناسی، گروه‌های اجتماعی

مقدمه

زبان

در حالی که همه می‌دانیم زبان چیست، تعریف علمی آن کار آسانی نیست و تعاریف زبان شناسان از آن، متفاوت است. ساده‌ترین و جامع‌ترین تعریف زبان از نظر زبان‌شناسی چنین است: «زبان الفاظی است که برای ایجاد ارتباط افکار و عواطف و معانی از ذهنی به ذهن دیگر به کار می‌رود». (فرشید ورد، ۲۴، ۱۳۸۴)

پس زبان در معنای وسیعش شامل هر گونه نشانه‌ای است که بتواند افکار و عواطف را به دیگری منتقل کند. بنابر این می‌توان آن را به دو نوع تکلمی و غیر تکلمی تقسیم نمود. همچنین می‌توان چنین برداشت کرد که زبان علاوه بر فردی بودن، حاصل یک زندگی جمعی نیز هست و مانند امور جمعی همچون مذهب و اقتصاد از نهادها و بنیادها و موسسات اجتماعی است و مانند هر نهاد دیگری، هم محصول غرایز شخصی آدمی است و هم نتیجه حیات جمعی، و از این رو در قالب یک امر اجتماعی قابل بررسی است. بر اساس زبان‌شناسی امروز، زبان‌شناسی، علمی است که زبان ملفوظ انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهد و می‌توان آن را از شعبه‌های جامعه‌شناسی دانست. برخی از جنبه‌های زبان‌شناسی پیشرفت فراوانی داشته و شاخه‌های گسترده‌ای یافته است. در حالی که به برخی از جنبه‌های آن کمتر پرداخته شده است. یکی از مهمترین شاخه‌های زبان‌شناسی، شاخه علوم اجتماعی و شعبه‌های وابسته آن است همچون: انسان‌شناسی (Anthropology) و قوم‌شناسی (Ethnography). (ر.ک. همان، ۲۸ به بعد)

همانگونه که از تعاریف بر می‌آید زبان، لفظی عام است برای یک پدیده انتزاعی. این پدیده زمانی به فعل در می‌آید و عینی می‌شود که به یکی از گونه‌های زبان تبدیل شود. گونه‌های زبان بسته به معیارهایی گویش یا لهجه نامیده می‌شوند.

(مجله زندگی سلام، شماره ۱۴۱) گونه‌های زبان را از جهات مختلفی می‌توان طبقه‌بندی کرد از جمله: از نظر زمان، مکان، موقعیت اجتماعی، رابطه‌گوینده و شنونده، کاربرد و هدف و ... (باطنی، ۱۳۸۳، ۱۱-۱۰)

زبان مخفی

یکی از گونه‌های زبان که بر اساس موقعیت اجتماعی و همچنین هدف و کاربردش در زبان شکل گرفته است، زبان مخفی است: این گونه زبان، که نامش از لفظ آرگو (argo) بر گرفته شده، اولین بار در قرن چهاردهم به کار رفته است و طبق مدارک به دست آمده، مربوط به سارقان و راهزنان بوده است که واژه‌هایی از آن در متون فرانسوی دیده می‌شود. این افراد نیاز به زبانی رمز گونه داشته‌اند که اسرارشان پوشیده بماند. آنها واژگانی را به کار می‌برده‌اند که به معنای مورد نظر آنها در زبان معیار آن روزگار وجود ندارد. (ر.ک. سماعی، ۱۳۸۲، ۵ و ۶)

واژه slang هم در یک فرهنگ انگلیسی مطابق همین کاربرد آورده شده است: «واژگانی بسیار غیر رسمی که غالباً کسانی که وابسته به گروه خاصی هستند به کار می‌برند، فی‌المثل جوانان، تبهکاران/قانون شکنان، یا سربازان و ارتشیا و غیره، بعضی فیلم‌ها که سرشار از واژگان و تعابیر slang اند، فهمشان برای خارجیان - که اهل آن زبان نیستند - دشوار است. slang به شاخه‌هایی فی‌المثل ویژه زندانیان، ارتشیان، بچه مدرسه‌ای یا دانش‌آموزان و دانشجویان تقسیم می‌شود». (خرمشاهی، ۱۳۸۰، ۴۰۵)

ویژگی‌های زبان مخفی

برای بررسی جامعه‌شناسانه زبان مخفی، شناخت برخی ویژگی‌های اصلی آن ضروری است: یکی از ویژگی‌های زبان مخفی طفیلی بودن و زائیده بودن آن است. به این معنا که در این زبان واژه‌ای خلق نمی‌شود بلکه از واژه‌های موجود در زبان اصلی به صورت تغییر معنی یا افزودن معنای جدید استفاده می‌شود. این زبان را می‌توان یک نظام واژگانی دانست که همراه زبان معیار در جامعه وجود دارد و رشد می‌کند.

مخفی بودن واژه‌ها در زبان مخفی، به صورت مدرج است. یعنی برخی از واژه‌ها در آن کاملاً ناشناخته و تیره‌اند و هیچ نشانه‌ای برای پی‌بردن به معنی آنها وجود ندارد و برخی شفاف‌ترند. دلیل عمده این تیره‌گی و شفافیت به شیوه ابداع واژه بستگی دارد. معنی الفاظ تیره را نمی‌توان از ظاهر و ریشه ساخت واژه به دست آورد. همچنین میزان رواج واژه به شفاف بودن آن کمک می‌کند. به طوری که اگر واژه‌ای زیاد به کار رود رفته رفته از تیرگی معنای آن کاسته می‌شود و حتی به صورت یک واژه معمولی و عمومی در زبان معیار گنجانده می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های این زبان داشتن مترادف‌های فراوان است. از آنجا که این زبان در منطقه‌های مختلف شهر ساخته می‌شود گاهی ممکن است یک اصطلاح در مناطق دیگر شیوع پیدا نکند و آن منطقه خود برای آن واژه، مترادفی بسازد. شفاف شدن تقریبی برخی واژه‌ها، دلیل دیگری است بر وجود مترادف‌ها. این باعث می‌شود واژه جدیدی ساخته شود و واژه قدیمی همچنان به میزان کمتری به کار رود. (سمائی، ۱۳۸۳، ۷-۸-۹)

بررسی جامعه‌شناسانه زبان‌های مخفی

تاثیر زبان بر جامعه و جامعه بر زبان، یکی از بحث‌های مهم زبان‌شناسی است. در علم جامعه‌شناسی زبان، این امر به صورت علمی بررسی می‌گردد. بی‌شک قابلیت و تاثیر زبان در محیط اجتماعی و شکل‌گیری جامعه غیر قابل انکار

است. آنگاه که اندیشه‌ها بر محمل زبان می‌نشینند و به اذهان وارد می‌شوند و تاثیر می‌گذارند، می‌توانند جامعه ای را دستخوش تحول کنند. همه دگرگونی‌ها و انقلابات تاثیرگذار از انقلاب زبانی آغاز شده اند. در اندیشه صوفیه و انتقال آن و حتی انحطاط برخی فرق مربوط به آن، زبان رمزآلود صوفیه بی تاثیر نبوده است. اگر تصوف و عرفان، چیزی جز «برخورد هنری با مذهب» نباشد، پس در همه ادیان عرفان خاص آن دین وجود دارد، ولی آنچه باعث پرورش و بقای عرفان و تصوف اسلامی می‌شود، همین زبان خاص آن است. در تصوف رمز و زبان به گونه‌های مختلف از سادگی به طرف پیچیدگی در حرکت است و تصوف ساده عصر نخستین، تبدیل به عرفان پیچیده ابن عربی و جلی و امثال آنها می‌شود. به همین صورت انحطاط هنرها نیز ملازم با انحطاط در این عناصر است. عرفان بایزید، بوسعید و مولوی اعتدالی است از اوج تخیل و رمز و زبان، و از سوی دیگر تصوف منحط دوره‌های بعد از تیموری به ویژه تصوف مشایخ هند، انحطاطش برخاسته از تخیل و زبان مبتذل و کلیشه ای این تصوف است (ر. ک: شفيعی کدکني، ۱۳۹۱، ۲۶-۲۷)

باید پذیرفت که همواره سخن نو، زبان نو می‌خواهد و سخن هرچند جدید و بدیع باشد، آوردن آن در قالب‌های کهن بوی نوآوری ندارد و آنچه در جامعه موثر می‌افتد، موجب دگرگونی و انقلاب می‌شود، به انحطاط یا رونق جامعه ای منجر می‌شود، سخن نوست. (شفيعی کدکني، ۱۳۹۲، ۲۹۲)

تاثیر لفظ و سخن بر جامعه چندان زیاد است که گاهی به خاطر این تاثیر خود واژه تقدس می‌یابد. چندانکه برخی، واژگان را از جهانی بالاتر می‌دانند. «همه کلمات، الهی و مقدس اند. هیچ چیز مقدس تر از کلمات نیست. آنها از کجا آمده اند؟ از اعماق تاریخ چند هزار یا چند ده هزار ساله آمده اند. درباره قدرت کلمات مقدس یا کلمات تابو در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، مطالب بسیار گفته و نوشته شده است و همه آنها تایید همین نکته است که کلمات قدرت بسیار دارند. (محمدی آسیابادی، ۱۳۸۷، ۱۸).

رابطه زبان و محیط یا به عبارت وسیع تر زبان و جهان یک رابطه دو سویه است و به طور حتم شناخت یکی، مدد رسان شناخت دیگری است. ذهن بشر ساخته و پرداخته شده محیط اطراف اوست. همچنانکه فردی که در فضای مرطوب و بارانی رشد یافته است درک صحیحی از واژه خشکی و خشکسالی نمی‌تواند داشت. «زبان چیزی جز ذهن نیست و ذهن چیزی جز زبان نیست ... انسان چیزی نیست جز زبان و همه خلاقیت‌های ادبی جهان فقط در حوزه زبان است و عوامل اقتصادی عواملی هستند که آن را تغییر می‌دهند. آن سخن ویتگنشتاین، از فلاسفه طراز اول قرن بیستم را از یاد نبریم که گفت: محدوده زبان من، محدوده جهان من است. هر کس هر قدر گسترش زبانی داشته باشد، به همان اندازه دارای جهان بینی وسیع تری است.» (شفيعی کدکني، ۱۳۹۰، ۲۷)

هر انسانی زندانی زبان خویش است و آنچه بینش وی را شکل می‌دهد، زبان اوست. پس ما در زندان سرای زبان زندگی می‌کنیم و جهان، بیرون از مقوله زبان امری است فاقد معنی. (فیضی، ۱۳۸۸، ۵۹۰)

زبان هر قومی نسبت به محیط جغرافیایی و اقلیم حیاتی ایشان متفاوت است. قومی که در سواحل دریا و کناره جنگل‌های سبز و کبود و در میان پرندگان و گل‌های رنگارنگ و ابرهای گوناگون زیسته باشد با قومی که در صحرای سوزان زیسته باشد و با جانواران بیابانی سر و کار داشته باشد از نظر دایره لغوی و نیاز به واژه گان با هم متفاوتند. (شفيعی کدکني، ۱۳۸۶، ۱۰۶)

پس زبان بر گرفته از جهان اطراف انسان است و چه بسا گاهی به رکاکت یا پلیدی می‌کشد و این همان جایی است که برخی زبان شناسان از جمله گرد آورنده فرهنگ زبان مخفی از آن گریزان اند. وی واژه‌های مربوط به این بخش را از فرهنگ خود حذف نموده است. (سمائی، ۱۳۸۲، ۳)

اما به هر حال این واژگانو این سبک سخن نیز بخشی از زبان ما و گاهی نشان دهنده اندیشه و فکر شکل گرفته در محیط خاص است و از نظر جامعه شناختی به شناخت محیط اجتماعی پروراننده واژه، کمک می‌کند.

«... پایتخت مسکن و ماوای سلاطین و بزرگان و تاثیر حرکات و افعالشان بر روی مردم زیادتر [است] و وقتی لذت بخش ترین اوقات حیات ایشان زمانی باشد که با دلچک و مسخره و هرزه درای و فسقه، فجره سروکار داشته و حرکات سخیفشان دیده، سخنان عنیفشان، استماع بکنند و به هر اندازه که آن زشت و رکیک، قوی تر و موهن تر، به همان مقدار شادتر و سردماغ تر بشوند، مردم نیز تبعیت بکنند ... پس وقتی مشرب و سلیقه سلاطین دورانی چنین و کار رکاکت و فضاحت تا آن حد جا داشته باشد، روشن است دیگران هم تقلید نموده طرز بیانشان به همان مبنا و رشحات گفتارشان به حکم مرغوبیت، به متابعت از همان احوال بشود. (شهری، ۱۳۷۸، ۱۲)

پس می‌توان گفت بررسی همین زبان و واژگان گاهی بی ادبانه و رکیک، از نظر جامعه شناختی راهی به سوی اندیشه‌ها و ارزش‌های گذشتگانمان می‌گشاید. «در دنیای امروز با مطالعه و بررسی همین اصطلاحات، معتقدات، امثال و افسانه‌ها، ترانه‌ها و عادات و آداب و رسوم یا به عبارت ساده تر مجموعه سنن گذشتگان است که به پستی و بلندی روح یک ملت و طرز تفکر و نوع زندگی او و نیاکان او پی می‌برند». (امینی، ۱۳۵۳، ۱ سر آغاز)

بررسی علمی زبان مخفی در زبان‌های دیگر نیز صورت گرفته است. برای مثال در کشور فرانسه، آرگوی زبان فرانسه توسط دستگاه پلیسی کشور بررسی شده است. چاپ اولین کتاب در این مورد در سال ۱۹۷۵ صورت گرفته است. (کتاب ماه و کودک نوجوان، ۱۳۸۲، ۳۱)

اینک به بررسی برخی عوامل موثر در شکل‌گیری زبان مخفی پرداخته می‌شود:

وابستگی به گروه‌های اجتماعی (شغلی و غیرشغلی)
یکی از عوامل شکل‌گیری زبان مخفی تقسیم بندی‌های شغلی و قشر بندی‌های مربوط به اشتغال است. چون زبان در مشاغل مختلف نقش مهمی ایفا می‌کند. در جامعه شناسی کنت آنچه اعضای جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد زبان است و کنت آن را از نهادهای مهم اجتماعی می‌داند. از منظر او زبان در ایجاد یکپارچگی در بین افراد موثر است. زبان افراد را به زنجیری طویل متصل می‌کند که جامعه فعلی را به پیشینیان دور پیوند می‌دهد. کنت وجود زبان مشترک را برای یک اجتماع بشری چه شغلی و چه اجتماعی ضروری می‌داند. (تیم دیلینی، ۱۳۹۱، ۵۷)

تفاوت‌های زبانی که در گروه‌های مختلف یک جامعه وجود دارد، ناشی از تفاوت در زنجیره تفکر افراد آن جامعه است. به عقیده مید «زبان نهادی اجتماعی است که از جوامع و گروه‌های اجتماعی زیادی متاثر می‌شود. برای نمونه، زبان فقرا متفاوت است با زبان اغنیا و ذهنیت کشاورزان متفاوت از ذهنیت شهر نشینان است. بنابر این، زبان در معرض تفسیرها و مضامین نمادینی قرار می‌گیرد که افراد خاص در شرایط زمانی و مکانی خاص تعیین کرده اند. (همان، ۲۷۶)

پس وابستگی به گروه‌های اجتماعی از آنجا که نیازمند برقراری ارتباطی خاص و ویژه بین افراد آن گروه است، منجر به ایجاد یک زبان مشترک با نمادهای مخصوص خود می‌شود. بنابر عقیده مید، زبان در شکل‌گیری جامعه نقشی ایفا نمی‌کند بلکه وجود جامعه است که باعث شکل‌گیری زبان می‌شود. کنش‌های متقابل افراد یک گروه اجتماعی در شکل ابتدائی اش محدود بوده است اما این کنش‌ها به تدریج به کنش متقابل نمادین تکامل می‌یابند و به این ترتیب زبان نیز خلق می‌شود. «شکل‌گیری اجتماعی مقدم بر صورت بندی زبان است». (همان، ۲۷۶)

بنابر این می‌بینیم که در جامعه وقتی یک گروه اجتماعی جدید به وجود می‌آید، ابتدا زبان خاص و یا واژگان مخصوصی ندارد و از همان زبان معمولی و متداول بهره می‌برد اما با گسترده شدن و پیچیدگی روابط رفته رفته نمادها و به دنبال آن واژگان و زبان مخفی به وجود می‌آید. نمونه فراوانی از این گونه زبان‌ها در گروه‌های اجتماعی که در تلفن‌های همراه تشکیل می‌شود می‌توان یافت.

البته سمانی معتقد است زبان‌های متعلق به مشاغل به طور کامل جز زبان مخفی محسوب نمی‌شود و فقط برخی از واژگان آن به جزء زبان مخفی به حساب می‌آید. آنهایی که کار خلاف قانون انجام می‌دهند به نحوی که نیاز به مخفی کاری دارند و زبانشان جزء زبان آرگوست. (کتاب ماه و کودک نوجوان، ۱۳۸۲، ۳۲)

ابراز مخالفت با هنجارهای اجتماعی موجود

گفته می‌شود زبان مخفی اغلب توسط جوانان به کار گرفته می‌شود و در واقع خالقان اصلی و اولیه آن جوانان هستند و همان‌ها هستند که با به کار گیری واژگان آن موجب گسترش آن در جامعه هستند. (کتاب ماه و کودک نوجوان، ۱۳۸۲، ۳۱)

از طرفی یکی از خصائص جوانان، مخالفت با هنجارها یا به عبارت دیگر هنجارگریزی است، این هنجارگریزی دلایل مختلف دارد، از جمله عرف شکنی به منظور احراز هویت، دوره جوانی زمانی است که انسان با انرژی، با حساسیت در برابر بازتاب‌های محیط و مسئولیت پذیری فردی به دنبال کسب هویت است. جوانان باید نقطه اتکایی برای پیوند با خود و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی محیط اطراف بیابند. در این شرایط انسان در وضعیتی قرار می‌گیرد که هلموت پلسنر (Hehmultiplessner) آن را «وضعیت عرف شکن» (exzentrische positsonalitat) می‌نامد. انسان باید جایگاهی در جامعه اشغال کند و برای کسب این جایگاه باید بین «هویت من» شخص و «ویژگی نقش» که جامعه به او می‌دهد تعادل ایجاد کند. این شرایط به جوان امکان می‌دهد یا به عبارت دیگر او را وادار می‌سازد که دیدی انتقادی از خود و اطرافش داشته باشد. (شفرز، ۱۳۹۰، ۱۱۶)

ابراز مخالفت و دیدگاه انتقادی از سوی جوانان گاهی با متفاوت پوشیدن، متفاوت سخن گفتن، و حتی متفاوت خوردن بروز می‌کند. به کارگیری زبان مخفی یکی از نمودهای ابراز این مخالفت‌هاست. از منظر هنجارشکنی یا هنجارگریزی اگر به پدیده زبان مخفی به صورت عمیق‌تر نگرسته شود شاید بتوان در آن رگه‌هایی بسیار ناچیز از پسا ساختارگرایی که نشانه‌هایی از جنبش‌های آشوب طلبانه اگزیستانسیالیسم را با خود دارد، پیدا نمود. پسا ساختارگرایی آنچنان که ژاک دریدا معتقد است، معنای زبانی را در سازماندهی نهادهای اجتماعی دارای نقش عمده می‌داند و از این دیدگاه زبان به منزله سیستمی است که الگوهای ذاتی آن بی ثبات است و به قول دریدا به دنبال واسازی الگوهای ذاتی زبان است. به هم ریختن نشانه‌های تثبیت شده موجود در زبان می‌تواند همان قدم‌هایی باشد که بعدها موجب ایجاد زبان مخفی می‌گردد. همان گونه که دریدا سعی دارد نظام تثبیت شده زبان را از لحاظ دوگانه بودن الگوها به هم بریزد. (سیدمن، ۱۳۹۲، ۲۲۱) اما در زبان مخفی هیچ نشانه‌ای از تقابل زدایی دریدا دیده نمی‌شود.

پنهان کردن اعمال و اندیشه‌های خلاف قانون

«برخی زبانشناسان معتقداند زبان مخفی به قول ویکتورهوگو رخت کنی است که هر گاه زبان بخواهد کاربردی انجام دهد در آنجا لباس مبدل می‌پوشد». (ر.ک. سمانی، ۱۳۸۲، ۷)

اگر با این نظر به هدف زبان مخفی بنگریم از نظر جامعه‌شناسی کسانی که با قانون به نوعی تعارض دارند، باید زبانی اختراع کنند که خودشان را در پس پرده آن زبان پنهان کنند. تعارض با قانون به هیچ وجه به معنای ضد اخلاقی بودن نیست. چه بسا معارضین با قانون، کسانی هستند که در اندیشه‌هایی نیک تر از آنچه قانون به آن احترام می‌گذارد، آراسته اند. باستانی پاریزی در یکی از کتاب‌هایش شخصیتی را معرفی می‌کند که اخلاقی نیکو داشته و هر وقت حکام می‌خواستند کسی را که نسبت دزدی به او داده بودند، جریمه و مجازات کنند او فریاد بر می‌داشته است که «تا محقق نشود که دزد است اجازه نمی‌دهم به او آزار برسانید». وی اهل سیاحت بوده، مسلک درویشی داشته و دایم به فکر کمک به فقیران و تهیدستان بوده است. برای حکام نامه می‌نوشته و سفارش بیچارگان می‌نموده است. این شخص خود را پیغمبر دزدان می‌خواند و در مکاتباتش مهر پیغمبر دزدان دارد، واژگانش همه از همین دست هستند. درست شبیه واژگانی از زبان مخفی، و جالب اینکه نام وی هم برگرفته از زبان مخفی «حسن» بوده است. گویا در منطقه کرمان به دزد گفته می‌شده است: «حسن». (باستانی پاریزی، ۱۳۷۴، ۱۹۴ به بعد)

پیغمبردزدان به هیچ روی شخصیتی منفی نبوده، حتی منبر می‌رفته و اهل دیانت نیز بوده است. اما آنچه او به خود و خاندانش لقب داده، می‌تواند از واژگان زبان مخفی بی بهره نباشد. آنچه پیغمبردزدان تحت لوای این اسم انجام می‌داده است در واقع حمایت از بیگناهان مورد تهمت واقع شده و دستگیری فقرا و نیازمندان بوده است و حتی گاهی اوقات به راهزنان و دزدان نامه ای با همان مهر و امضا میفرستاده است و از آنها درخواست می‌کرده با فلان کاروان یا اموال فلان شخص کاری نداشته باشند، یا به حاکم قدرتمندی با زبان شوخی و بذله امر می‌کرده است که در فلان کار خیر با خیرین همکاری و همراهی نمایند. البته بخش عمده ای از نوشته‌های پیغمبر دزدان نوع ایجاد شوخی و مزاح بوده است که در جای خود بدان اشاره خواهد شد.

باید در نظر داشت پنهان کردن اندیشه‌های خلاف قانون و خلق زبان مخفی در خیلی موارد نیز به منظور کار ناپسندیده است. واژگان فراوانی از این دست در کتاب فرهنگ زبان مخفی آورده شده است و بسیاری از آنها نیز با وجود اینکه در فرهنگ ذکر نشده اند به صورت فراگیر در آمده، و تقریباً از حالت زبان مخفی خارج شده اند.

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی مخالفت‌های سیاسی

یکی از موضوعات اصلی مورد بحث علم جامعه‌شناسی، بررسی تاثیر ساختارهای اجتماعی بر رفتار، انگیزه‌ها و نگرش افراد است. همچنین بررسی ملل رفتار غیر عادی، انحرافی، قهر آمیز و معترضانه جامعه جزء همین پژوهش‌هاست. (ر.ک. شفرز، ۱۳۹۰، ۱۷ و ۱۶)

در این زمینه بد نیست به ذکر نمونه‌هایی از تاریخ معاصر جهان پردازیم: واکنش جوانان در برابر سوء استفاده دولت و جامعه از آنها در دوران حکومت نازی‌ها که منجر به پیدایش «نسل بدبین» شد. نسل بدگمان بعد از جنگ جهانی دوم که نسبت به هر ایدئولوژی و شعاری بدبین بود و با واقعیت رابطه ای هوشیارانه اما با فاصله داشت.

نسل بدبین در واقع مقدمه جنبش دانشجویی معروف اروپا بودند که مخالفت خود را از بیکاری‌ها و مصرف گرایی با این جنبش نشان می‌دادند. بر پایی تظاهرات و ناآرامی‌های دانشجویی که البته اول به شکل دانشجویی نبود و بیشتر توسط جوانان شکل می‌گرفت و از دهه‌های شصت به بعد جدی تر می‌شد، اعتراض‌های ضد زندگی بورژوازی که به شکل‌های مختلفی بروز می‌کرد. از جمله شرکت کردن جمعیت چندین هزار نفری در کنسرت‌های عمومی، که موسیقی‌های ضربی را به «مخالفتین خاموش» (wood stock) تبدیل می‌کرد. گردهمایی‌های موسیقی پاپ یا ضربی که با شرکت دهها

هزار نفری جوانان برگزار می‌شد، سیل نشریات جدید که فعالیت سیاسی مراکز آموزش عالی را به دنبال داشت، از نمونه‌های بروز مخالفت‌های سیاسی جوانان بود. (شفرز، ۱۳۹۰، ۶۹ و ۶۸)

حال اگر در جامعه‌ای به خاطر وجود فضای بسته و غیر آزاد، مخالفین قادر نباشند مخالفت خود را در قالب‌های رایج بروزدهند یا حکومت‌ها اجازه این بروزها را ندهند، بعید نیست که مخالفت‌ها در قالب واژه و زبان ادبیات، خود را نشان دهد. به خصوص که می‌دانیم آشفته‌گی‌های اجتماعی در قالب آشفته‌گی‌های زبانی بروز می‌کند « بدیهی است که کسی که زبانش پریشان و نابسامان باشد، فکرش نیز پریشیده و ناستوار خواهد بود و برعکس ». (یوسفی، ۱۳۸۷، ۲۸۹)

به عنوان نمونه ظهور واژه‌هایی نظیر: فتنه، فتنه‌گر، بصیرت، دل‌پاس، ولایت‌مدار و ... که در دوران امروزی در زبان روزمره ما راه یافته است می‌تواند نمونه‌ای از این مخالفت‌ها باشد. از این گذشته نمی‌توان نقش زبان را در مسائل سیاسی بی‌تاثیر انگاشت. «زبان، مبین شخصیت مردمی است که به آن متکلم‌اند. بنابر این، لغت، اصطلاح، صوت‌ها، آهنگ و البته چگونگی مفاهیم، همگی از حال و وضع مردم خود حکایت می‌کند. همه آنچه در تکوین شخصیت یک ملت موثر است، چون اقلیم، جغرافیا، همسایگان، کیفیت طبیعی، همچنین رویدادهای گذرا یا ژرف، تجلی خود را در زبان بروز می‌دهد. واکنش روانی انسان جزء جزء حوادث را تجربه می‌کند و ثبت آنرا به دست زبان که بیانگر اندیشه است، می‌سپارد». (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۰، ۱۷۱)

برخی نیز زبانشناختی را به طور کل دارای خصوصیتی ساختار شکنانه می‌دانند، معتقدند این زبان از فرهنگ رسمی و قدرت خشک که گاهی سویه ویرانگر و زیان‌بار دارد، مرکزیت زدایی می‌کند. « یعنی مخالفتی است بی‌پروا با فرهنگی که نوجوانان را به رسمیت نمی‌شناسد. (کتاب ماه و کودک و نوجوان، ۱۳۸۲، ۴۲)

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

ایجاد طنز

گاهی نیز هدف از خلق یک واژه در زبان مخفی به دور از همه دغدغه‌های اجتماعی و ذهنی، ایجاد طنز است. هر چند بیان طنز، راهی است برای طرح یک نکته ظریف اجتماعی. همچنین که از وظیفه طنز و ادبیات آن بر می‌آید: «طنز یک شیوه کلامی، بیانی و انتقاد کننده است که نیش و نوش را با هم ترکیب می‌کند تا معجون تحویلی دهد که هم ایجاد تبسم کند و هم قوه تفکر را تلنگر زند. طنز در ذات خود، بیش و پیش از هر چیز با تضاد و تناقض گره خورده است.» (باقری شاه، ۱۳۸۷، ۱۴)

بنابر این منطقی است که ساخت برخی از این واژگان به منظور ایجاد طنز باشد که البته همین طنز هم چنانکه از نظر جامعه‌شناسی بررسی شود به امور اجتماعی پیرامون سازنده اش بی‌ارتباط نیست و نیز از جنبه روانشناسی قابل تاویل و تامل است.

به عنوان مثال کاربرد واژه: «بالو» (بادکنک کوچک کاغذی دست ساز بچه‌ها) به جای هواپیما از نظر جامعه‌شناسی جای تاویل دارد. این واژه از زمانی در زبان روزمره منطقه اصفهان وارد شد که شمار سقوط هواپیماهای مسافربری در کشور بالا رفت. قبل از آن هواپیما سوار شدن فضیلتی بود و ابهت فراوانی داشت. اما از زمانی که سقوط هواپیماها بیشتر شد به طنز این واژه را بر گزیدند چون این بادبادک‌های کاغذی دست ساز، زمین خوردن و سرنگونی اش متداول است. از طرفی دست بچه‌هاست و به تعریض خلبان هواپیما را بچه و یا ناتوان جلوه می‌دهد. این طنز در زبان اصفهان که سرشار از طنز و ریشخند و متلک و شیرینی است به وفور کاربرد دارد و این شعر ناموزون که همان موضوع هواپیما را دستمایه کرده است مکمل این طنز نیش دار است:

هزاران فوت و فن دارد بز چرانی
نه چون طیاره ترو تر برانی!

در اینجا باید اشاره کرد که هر واژه ای که برای خلق طنز ایجاد می‌شود نباید به اشتباه جزو زبان مخفی به حساب آید. برای مثال برخی سرواژه سازی‌ها که به منظور ایجاد طنز خلق می‌شود و بر حسب اتفاق همه گیر هم می‌شود اغلب جزو زبان لاتنی یا زبان لمپن است. لمپن (Lampen) واژه ای انگلیسی است و به عقب مانده ترین و واژه ترین افراد جامعه از قبیل اوباش و دزدان گفته می‌شود که معمولاً در تحولات اجتماعی نقش منفی بازی می‌کنند و پیروان و دنباله روان آنان را لمپنیزم یا لمپنیسم می‌گویند. (انوری، ۱۳۹۰، ۲۰۰۳)

گونه اجتماعی زبان لمپن‌ها یا همان زبان لاتنی، به قشر خاصی از افراد جامعه تعلق دارد که اغلب برای ابراز وجود و تخلیه برخی عقده‌ها و یا اثبات عضویت در گروه‌های خلاف استفاده می‌شود. در برخی کتاب‌هایی که در مورد زبان جوانان نوشته شده گویا دو مقوله زبان مخفی و زبان لمپن‌ها با هم خلط شده اند. «برای مثال «دمت گرم» و «دمت جیز» جزء زبان مخفی نیست اما، اغلب، این دست واژگان جزء زبان مخفی دانسته می‌شود.» (کتاب ماه کودک و نوجوان، ۱۳۸۲، ۳۵)

علاوه بر آنچه گفته شد، مواردی همچون: میزان تحصیلات افراد گروه‌های اجتماعی، جنسیت افراد، نگرش و سطح مذهبی و دینی افراد و پایگاه اجتماعی آنان در انتخاب و کاربرد واژگان زبان مخفی و نحوه ایجاد آن موثر است. از آنجا که اغلب واژه‌های زبان مخفی در واقع از زبان‌های دیگر به عاریت گرفته می‌شود، نقش زبان قابل دسترسی افراد جامعه بسیار مهم است. برای مثال اگر گروه اجتماعی از جامعه طلاب به ساخت واژه و خلق زبان مخفی بپردازند بدون شک اصطلاحات علوم حوزوی و دامنه لغات آن علوم در خلق و گزینش واژه‌های زبان مخفی نقش اصلی را دارند. از همین نکته می‌توان پی برد واژه‌های زید (به معنای دوست پسر یا دوست دختر) و یا زیدوفسکی (نیز به همان معنا) از کدام گروه اجتماعی ایجاد شده است و نیز بر اساس همین احتمال واژه خوش گوشت (به معنای دختر یا زن لوند) می‌تواند از گروه شغلی قصاب به در آمده باشد، یا چراغ خاموش حرکت کردن (به معنی بی سرو صدا راه رفتن)، سیم بکسل دادن (به معنی سخن و رفتار اعلام رضایت کردن) از قشر رانندگان ایجاد شده است.

نتیجه‌گیری
جامعه‌شناسی زبان یکی از شاخه‌های متعدد علم زبان‌شناسی است که به بررسی نقش زبان در جامعه می‌پردازد. زبان در شکل‌گیری جامعه و ارزش‌های آن نقش مهمی دارد. زبان مخفی به عنوان یک پدیده خواه مثبت یا منفی علل اجتماعی فراوانی دارد از جمله: مخالفت با روال عادی جامعه، اعلام اعتراض، پنهان کاری، قانون شکنی، ایجاد طنز و هنجار گریزی. همچنین پیدایش این زبان در بین افراد گروه اجتماعی به تدریج صورت می‌گیرد و جنسیت افراد گروه، میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی به طور مستقیم در شکل‌گیری و واژگان زبان موثرند. بروز واژگان زبان مخفی گاهی بر اثر فشارهای اجتماعی موجود در جامعه صورت می‌گیرد. اغلب استفاده کنندگان و ایجاد کنندگان واژگان زبان مخفی جوانان هستند. زیرا جوانان با ویژگی‌های روحی و روانی خاص دوران جوانی از جمله عجز بودن، مخالفت عام و عادت بودن، دگر اندیش بودن و... جهان و جامعه اطراف خور را بر نمی‌تابد و این، منجر به تغییر شکل یافتن نحوه بیان او در جامعه می‌شود.

منابع:

اسلامی ندوشن، محمد علی. (۱۳۹۰) *آواها و ایماها*. چاپ ششم. تهران: نشر قطره.

- امینی ، امیر قلی . (۱۳۵۳) *فرهنگ عوام*. چاپ اول. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان .
- انوری ، حسن . (۱۳۹۰) *فرهنگ فشرده سخن*. چاپ یازدهم . تهران : نشر سخن .
- باستانی پاریزی ، محمد ابراهیم . (۱۳۷۴) *پیغمبر دزدان*. چاپ پانزدهم. تهران : نشر خرم .
- باطنی ، محمد رضا . (۱۳۸۳) *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. چاپ پانزدهم. تهران : انتشارات امیرکبیر
- باقر شاهی ، زهرا . (۱۳۸۷) *معجزه شعر طنز با همکاری آزاده سلیمانی و حسام محمد ظاهری*. چاپ اول. تهران: انتشارات ثالث.
- خرمشاهی ، بهالالدین . (۱۳۸۰) *چشم‌ها را باید شست*. چاپ اول. تهران: نشر قطره .
- دیلمنی ، تیم . (۱۳۹۱) *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی ترجمه بهرنگ صدیقی / وحید طلوعی*. چاپ ششم . تهران : نشر نی .
- سمائی ، مهدی . (۱۳۸۲) *فرهنگ لغات زبان مخفی*. چاپ چهارم . تهران: نشر مرکز .
- سمایی ، مهدی ۱۳۸۲ « نقد کتاب فرهنگ لغات زبان مخفی » کتاب ماه کودک و نوجوان . شماره ۷۷
- سمایی ، مهدی . ۱۳۹۳ « گفتگو با مهدی سمایی » زندگی سلام . شماره ۱۴۱
- سیدمن ، استیون . (۱۳۹۲) *کشاکش آراد در جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی . چاپ پنجم. تهران: نشر نی .
- شفرز ، برنارد . (۱۳۹۰) *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*. ترجمه کرامت اله راسخ . چاپ هفتم . تهران: نشر نی .
- شفیعی کدکنی ، محمد رضا . (۱۳۸۶) *زمینه اجتماعی شعر فارسی*. چاپ اول. تهران: نشر اختران / زمانه ،
- شفیعی کدکنی ، محمد رضا . (۱۳۹۰) *دوار شعر فارسی*. چاپ ششم . تهران : انتشارات سخن .
- شفیعی کدکنی ، محمد رضا . (۱۳۹۱) *منطق الطیر عطار نیشابوری*. چاپ دوازدهم . تهران : انتشارات سخن .
- شفیعی کدکنی ، محمد رضا . (۱۳۹۲) *با چراغ و آینه* . چاپ چهارم . تهران : انتشارات سخن .
- شهری ، جعفر . (۱۳۷۸) *قند و نمک*. چاپ اول . تهران : انتشارات معین .
- فرشیدورد ، خسرو . (۱۳۸۴) *دستور مفصل امروز*. چاپ دوم . تهران: انتشارات سخن .
- فیضی ، کریم . (۱۳۸۸) *صدها سال تنهایی* . چاپ اول . تهران : انتشارات اطلاعات .
- محمدی آسیابادی ، علی . (۱۳۸۷) *هرمنوتیک و نماد پردازی در غزلیات شمس*. چاپ اول . تهران: انتشارات سخن .
- یوسفی ، غلامحسین . (۱۳۸۷) *کاغذ زر* . چاپ اول . تهران : انتشارات سخن .